
مجموعه آثار مولیر

دبیر مجموعه: دکتر قطب‌الدین صادقی

بورژوازی اشراف‌منش

اعظم‌سادات ایزدی

مینا رحیمی

پرده اول

صحنه یک

استاد موسیقی، استاد رقص، سه آوازخوان، دو نوازنده
ویولن، چهار رقصنده.

- | | |
|--|--|
| [با نوازندگان و آوازخوانان خود صحبت می‌کند.] بیایید، وارد
این تالار شوید و آنجا منتظر بمانید تا خودش بیاید.
[رو به رقصنده‌ها] شما هم همین‌طور، از این طرف. | استاد موسیقی
استاد رقص
استاد موسیقی
شاگرد |
| [رو به شاگردش] انجام شد؟
بله. | استاد موسیقی
استاد رقص |
| ببینیم... خیلی خوب است.
چیز جدیدی است؟ | استاد موسیقی
استاد رقص |
| بله، آهنگی برای یک آواز عاشقانه است که به او گفتم تا
منتظر بیدار شدن آقا هستیم آن را بنویسد.
می‌شود ببینیمش؟ | استاد موسیقی
استاد رقص |
| وقتی آمد، آن را با کلام می‌شنوید، دیر نمی‌کند.
حالا دیگر اشتغالات من و شما کم نیست. | استاد رقص
استاد موسیقی
استاد رقص |

<p>استاد موسیقی</p> <p>موافقم و مثل شما از این شیرینی لذت می‌برم. مطمئناً چیزی دلنوازتر از تشویق‌هایی که شما می‌گویید نیست ولی این بووبرنگ‌ها زندگی‌مان را تأمین نمی‌کند. تشویق خشک و خالی خیال آدم را راحت نمی‌کند، باید خشکه حساب کرد و بهترین روش تقدیر، تقدیر همراه با پول است. حقیقتاً او آدم کم‌هوشی است که درباره همه چیز روی هوا حرف می‌زند و وقتی هم که تشویق می‌کند بیجاست. ولی پولش جبران قضاوت‌های ذهنش را می‌کند. بصیرت او توی کیف پولش است و تشویق‌هایش پولکی است. همان‌طور که می‌بینید این بورژوازی نادان برای ما ارزش بیشتری دارد تا آن عالی‌جناب روشنفکری که ما را به اینجا آورد.</p>	<p>استاد موسیقی</p> <p>درست است. ما شخصی را که باید پیدا کرده‌ایم. اینجا به‌خاطر حضور فردی مثل آقای ژوردن با این مفاهیم اشرافیت و خوش‌مشربی که به صرافت آن افتاده برای ما منبع درآمد شیرینی است. رقص شما و موسیقی من باید هم آرزو کنند که همه مثل او باشند.</p>
<p>استاد رقص</p> <p>چیزی که می‌گویید درست است ولی شما زیادی به پول اهمیت می‌دهید. منفعت آن‌قدر چیز پستی است که یک انسان شریف نباید هرگز به آن دلبستگی نشان دهد.</p>	<p>استاد رقص</p> <p>نه کاملاً. من دوست دارم چیزهایی را که به او عرضه می‌کنیم بیشتر از این‌ها درک کند.</p>
<p>استاد موسیقی</p> <p>با این حال شما پول‌هایی را که او می‌دهد خیلی خوب به جیب می‌زنید.</p>	<p>استاد موسیقی</p> <p>درست است که او شناخت خوبی از این چیزها ندارد ولی پول خوبی می‌دهد و الان هنر ما به این پول بیشتر از هر چیز دیگری نیاز دارد.</p>
<p>استاد رقص</p> <p>بالتبع، اما از آن خیلی خشنود نمی‌شوم. دوست داشتم در کنار پولش کمی هم ذوق داشت.</p>	<p>استاد رقص</p> <p>باید اعتراف کنم که من از افتخار لذت می‌برم. تعریف و تمجیدها مرا تحت تأثیر قرار می‌دهد. معتقدم عذاب دردآوری است که کارمان را برای احمق‌ها نمایش دهیم.</p>
<p>استاد موسیقی</p> <p>من هم همین را می‌خواهم و به همین خاطر است که تمام تلاشمان را می‌کنیم؛ ولی به هر حال او وسیله‌ای است تا ما خودمان را از طریق او به محافل بشناسانیم.</p>	<p>استاد رقص</p> <p>این مطلب در تمام هنرهای زیبا صادق است، همان‌طور وقتی بخواهیم اظهارنظرهای جاهلانه یک نادان را در مورد آثار هنری تحمل کنیم. تصدیق می‌فرمایید که لذت بزرگی است کارکردن برای افرادی که ظرافت هنر را درک می‌کنند، کسانی که شیوه برخورد لطیف با زیبایی‌های یک اثر را می‌دانند و با تأییدهای دلنوازشان شما را از کارت‌ان سرمست می‌کنند. بله بهترین پاداشی که می‌توانیم از کارمان بگیریم این است که درک شود و تعریف و تمجیدهایی که از آن می‌شود آدم را سربلند کند. به نظر من بهترین چیز در ازای تمام خستگی‌هایمان همین است و چه شیرینی خوشایندی است این ستایش‌های درخشان.</p>
<p>استاد رقص</p> <p>دیگران ستایش می‌کنند، پولش را او می‌دهد. بفرمایید، خودش آمد.</p>	